



محور اول : حادثه هفتم تیر

روشن شدن چهره‌ی دشمن

مناسبت هفتم تیر، مناسبت برجسته و مهمی است.

- حادثه‌ی هفتم تیر به سرنوشت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ارتباط دارد.

- در این حادثه، چهره‌ی نفاق در کشور آشکار شد؛ پشت سر عناصر نفاق هم عناصر استکبار خودشان را نشان دادند.

برای یک نظام نوپا، روشن شدن چهره‌ی دشمنان، چیز کوچکی نیست.

منافقینی که خودشان را پیرو خدا و پیغمبر و اسلام و نهج‌البلاغه معرفی می‌کردند، با این حادثه، خود را مفتضح کردند.

اگر حوادث معدودی از قبیل هفتم تیر اتفاق نمی‌افتاد، یقیناً ملت عزیز ایران نمی‌توانست چهره‌ی منافقین را اینجور آشکار تشخیص

دهد؛ باز آنها می‌توانستند نفوذ کنند و خودشان را موجه جلوه دهند.

اثر قهری شهادت

- درست است که این حادثه سرمایه‌هایی را از ما گرفت؛ اما این شهادت‌ها، برای ملت ایران دستاوردهای بزرگی هم با خود آورد.

شهادت اینجور است. کشته شدن در راه خدا، این اثر قهری و طبیعی را دارد که با خود دستاوردهایی را به امت اسلام تقدیم می‌کند.

- شهادت این حادثه جزو بهترین و برجسته‌ترین عناصر انقلاب اسلامی بودند، بخصوص شخصیت برجسته و نورانی مرحوم آیت‌الله

بهشتی رضوان الله تعالی علیه

ما یاد این شهیدان و یاد این حادثه را هرگز فراموش نخواهیم کرد.

محور دوم : قوه قضائیه

- هم از رئیس محترم قوه، هم از مسئولان بالای قوه، هم از آحاد کارکنان و قضات محترم و کارکنان قضائی و غیرقضائی در قوه باید

حقیقتاً تشکر کنیم. آنچه که انجام گرفته است، بسیار باارزش است و در جهت کارآمدی قوه‌ی قضائیه است.

دو هدف اصلی در قوه

- در قوه‌ی قضائیه دو هدف اصلی را باید همیشه در نظر داشت.

(۱) سلامت قوه.

(۲) کارآمدی قوه.

همه‌ی تلاش‌ها باید این باشد که این قوه به یک مجموعه‌ی کاملاً کارآمد و کاملاً سالم تبدیل شود.

اگر این شد، آن وقت مردم میوه را خواهند چشید. آن میوه چیست؟ احساس رضایت و امنیت، به برکت حضور قوه‌ی قضائیه.

این همه تأکید در اسلام، نسبت به قضاوت، برای همین است که جامعه بتواند احساس رضایت کند؛ هر مظلومی احساس کند که می-تواند خود را به ساحل امن قوهی قضائیه برساند و جلوی ظلم گرفته شود. این لازم است.

- همه‌ی مسئولان قوهی قضائیه در سطوح مختلف، خودشان را واقعاً موظف کنند به این که قوه را به این دو خصوصیت برسانند.

- باید خروجی‌ها و پیشرفت کارها را دائماً مراقبت کرد.

اگر این شد، ان شاءالله قوهی قضائیه همان چیزی خواهد شد که اسلام و قرآن برای این قوه در جامعه خواسته است.

پیمودن برنامه

پیشرفت کار و رسیدن به هدف، با برنامه ریزی و پیمودن برنامه‌ها میسر است.

خوشبختانه برنامه‌ی سوم تصویب و ابلاغ شده است؛ در مجموعه‌ی قوهی قضائیه، این برنامه در حال پیشرفت کردن است. نباید هیچ اغمازی در حرکت در جهت برنامه صورت بگیرد؛ اگر این شد، ان شاءالله روزبه‌روز وضع قوه بهتر خواهد شد.

روشن بودن خلأها

- با این همه تلاش‌های مثبت، هنوز بین آنچه مطلوب مسئولان قوه و مقصود اسلام است، با آنچه در واقعیت است، فاصله وجود دارد. گفتنش آسان است، لیکن پیمودن این راهها و قدم به قدم صیانت کردن از این خصوصیات، واقعاً کار دشواری است؛ لیکن از خدای متعال باید کمک خواست.

این فاصله باید طی شود. البته توقع نداریم که در عرض دو سال و پنج سال این فاصله‌ها طی شود، لیکن باید در جهت پر کردن خلأها حرکت ادامه پیدا کند.

- البته خلأها برای مسئولان قوه روشن است.

گاهی نکاتی هم به نظر ما می‌رسد، که به رئیس محترم قوه و به بعضی مسئولان قوه تذکر می‌دهیم.

در جهت پر کردن این خلأها باید همت گماشت، نباید مأیوس شد؛ باید کار را همچنان پیش برد.

محور سوم : انتخابات ۹۲

از ملت بزرگ و بصیر و هوشمندمان در زمینه‌ی مسئله‌ی انتخابات که در این فصل مهم انجام دادند، تشکر می‌کنم. نمی‌شود ما این مسئله‌ی مهم و اساسی را از دائره‌ی تحلیل و تذکر و توجه خارج کنیم.

چند نکته‌ی اساسی در این انتخابات:

(۱) حضور مردم

تقریباً از یک سال قبل، مخالفان جمهوری اسلامی، داشتند درباره‌ی انتخابات برنامه‌ریزی منفی می‌کردند؛ کارهای گوناگون انجام دادند، برای این که این حادثه را به آن صورتی که خودشان می‌خواستند، در بیاورند.

یا انتخابات اتفاق نیفتد، یا انتخابات با اقبال کم مردم، مواجه شود؛ یا اینکه حتی بعد از انتخابات بهانه‌هایی به وجود بیاید که بتوانند مقاصد شوم خودشان را در کشور اعمال کنند؛ برای همه‌ی اینها برنامه‌ریزی کرده بودند.

از مدت‌ها قبل شبهه‌پراکنی و تردید آفرینی کردند؛ درباره‌ی صحت انتخابات، درباره‌ی مجریان و ناظران انتخابات. برای اینکه مردم را دلسرد کنند، تردید ایجاد کنند، که منجر بشود به نیامدن مردم پای صندوقهای رأی.

این‌ها همه‌اش خبرهای پنهان نیست؛ خیلی از آن‌ها اطلاعات آشکار است. هر کسی رفتارهای جبهه‌ی دشمن جمهوری اسلامی را در این حدود یک سال دنبال کرده باشد، می‌فهمد که این‌ها چه برنامه‌ریزی‌ای کرده بودند.

– آنچه اتفاق افتاد، صد و هشتاد درجه عکس آن چیزی بود که آن‌ها می‌خواستند.

جوری شد که خود دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن هم نتوانستند انکار کنند.

روزی که انتخابات بود، رسانه‌های دشمن گفتند که اجتماع مردم زیاد و پرشور است، همه آمده‌اند.

این چیز کمی است؟ این حادثه‌ی کوچکی است که ماستمالی کنند، با تحلیلهای آبی از روی قضیه بگذرند؟

ملت ایران عظمتی را از خود ساطع کرد؛ ملت ایران کار بزرگ و کارستانی انجام داد؛ در عرصه‌ی مواجهه و مقابله و خصومت و

کینه‌ورزی دشمنان بین‌المللی، از خود مهارت نشان داد. چرا این را پنهان کنند؟ چرا این را بارها تکرار نکنیم؟

معنای حضور مردم در انتخابات :

(الف) به سرنوشت کشور علاقه‌مندند.

(ب) به نظام جمهوری اسلامی علاقه‌مندند.

(ج) به دستگاه‌های برگزارکننده‌ی انتخابات – چه مجری، چه ناظر – اعتماد دارند.

(د) به حرکت مستمر پیشرونده‌ی کشور، امیدوار هستند.

اعتماد عمومی به نظام جمهوری اسلامی

در کنار هوشمندی و بصیرت مردم در این حضور، اعتماد عمومی هم نکته‌ی بسیار مهمی است.

جالب اینجا است که ما به مردم عزیزمان عرض کردیم اگر احیاناً کسی با نظام اسلامی خیلی دل صافی ندارد، اما برای منافع کشور

اهمیت قائل است، او هم بیاید. لابد بعضی‌ها از این مجموعه بودند و آمدند.

این نشان‌دهنده‌ی چیست؟ نشان‌دهنده‌ی این است که حتی کسانی که طرفدار نظام هم نیستند، به نظام اعتماد دارند؛ آن‌ها هم

می‌دانند که نظام جمهوری اسلامی می‌تواند از منافع کشور و عزت ملی دفاع کند.

مشکل دولت‌ها در کشورهای مختلف این است که در مقابل هجمه‌های جهانی، قادر نیستند از ملتشان، از منافعشان، از عزتشان دفاع

کنند.

جمهوری اسلامی، استوار و مستحکم مثل شیر در مقابل دشمنان ایستاده، از منافع ملت دفاع می‌کند؛ این را حتی آن کسانی هم که

احیاناً آمدند رأی دادند، اما به نظام اعتقادی هم نداشتند، با این کار خودشان تصدیق کردند؛ نشان دادند که اعتماد به نظام جمهوری

اسلامی، عمومی است.

۲) همزمانی انتخابات ریاست جمهوری و شوراها بدون ناامنی

انتخابات ریاست جمهوری در بسیاری از کشورها با درگیری و احیاناً خونریزی انجام می‌گیرد. انتخابات شوراها در مناطق دوردست، از

انتخابات ریاست جمهوری هم از این جهت حساستر است.

در این کشور وسیع، در این ده‌ها هزار شهر و روستا، یک حادثه که نشان‌دهنده‌ی ناامنی باشد، اتفاق نیفتاد و گزارش نشد.

این چیز کوچکی است؟ « نعمتان مجهولتان: الصحه و الامان.» امنیت برای یک ملت جزو اساسی‌ترین نیازها است.

اگر امنیت بود، پیشرفت به وجود می‌آید.

امنیت به این گستردگی در این کشور، خودش را در این انتخابات نشان داد. هرچه می‌خواستند دستگاه‌های امنیتی کشورمان با

تبلیغات بگویند، نمیتوانستند این حقیقت را به این روشنی بیان کنند که انتخابات بیان کرد.

این انتخابات نشان داد که بحمدالله، به خاطر همراهی مردم و هوشیاری مسئولان امور، در سراسر کشور امنیت خوبی برقرار است.

نکته‌ی برجسته‌ای که جا دارد انسان خدا را شکر کند، این بود که بعد از انتخابات، نامزدهای مختلف با نجابت و قانون‌پذیری در این قضیه عمل کردند؛ این خیلی چیز مهمی است. رفتند با رئیس‌جمهور منتخب، برادرانه دیدار کردند و به او تبریک گفتند. بنده لازم است از این حضرات تشکر کنم. این است که کام مردم را شیرین می‌کند. حالا اگر بدقلقی نشان می‌دادند، یک چیزی را بهانه می‌کردند و دعوائی راه می‌انداختند، کام مردم تلخ می‌شد. این که بارها و به تکرار از حوادث سال ۸۸، گله کردیم، به خاطر این است. آن سال، شیرینی انتخابات از مردم دریغ داشته شد. در انتخابات امسال، بحمدالله کام مردم شیرین شد، مردم شادی کردند. رفتار باید قانونمدارانه باشد. نتیجه‌ی این همه تأکید ما بر رعایت قانون، این است. وقتی قانون رعایت شد، دل مردم شاد می‌شود. این باید برای همیشه برای ما درس باشد.

– مردم در این‌چور قضایا نگاه می‌کنند، چهره‌های سیاسی را شناسائی می‌کنند. آن چهره‌ی سیاسی‌ای که با نجابت، با قانونمداری در قضایا برخورد می‌کند، مردم از او خوششان می‌آید. آن کسانی که به هر بهانه‌ای به قانون بی‌اعتنائی می‌کنند، مردم آن‌ها را هم شناسائی می‌کنند؛ از آن‌ها بدشان می‌آید.

تحقق حماسه سیاسی

انتخابات حقیقتاً یک پدیده‌ی برجسته و مهم بود.

این فضل و لطف الهی بود، که دل‌های ملت را هدایت کرد و نیروهای عظیم مردم وارد صحنه شدند و این حماسه را به وجود آوردند. انتخابات حقیقتاً حماسه شد؛ مردم همان چیزی را که آرزوی خیرخواهان بود که یک حماسه‌ی سیاسی به وجود بیاید، تحقق دادند.

کمک به منتخب مردم

حالا همه باید به منتخب مردم کمک کنند.

ایراد گرفتن و اعتراض کردن، آسان است. نمی‌گوئیم کسی انتقاد نکند؛ چرا، انتقاد کردن و اعتراض کردن سالم قطعاً برای پیشرفت کار کشور مفید است؛ اما این را هم باید توجه داشت که کار اجرائی سخت است. توقعات را هم نباید زیاد دامن زد، نباید در قضایا زیاد شتابزده برخورد و قضاوت کرد، تا ان‌شاءالله کارهای مهم کشور انجام شود.

رعایت انصاف: دیدن نقاط قوت در کنار ضعف

من در مورد اظهارات نامزدهای محترم در تلویزیون عرایضی دارم؛ فعلاً خیلی مجال نیست انسان تفصیل را بگوید؛ لیکن یکی از حرف‌ها همین است. بله، نقاط ضعفی وجود دارد، اما نقاط قوت را هم باید دید.

دولت کنونی هم نقاط قوت فراوانی دارد، گیرم نقاط ضعفی هم وجود دارد. کدام ما در در عملمان، نقطه‌ی ضعف نداریم؟ نقاط قوت را هم باید دید: کارهای مهمی در کشور انجام گرفته است. خدماتی که شده، کارهای زیربنائی‌ای که انجام گرفته، سازندگی‌هایی که انجام گرفته، این‌ها را نباید ندیده گرفت.

این‌ها در اظهارات نامزدهای محترم، در برنامه‌های دو سه هفته‌ای تبلیغات انتخابات، غالباً ندیده گرفته می‌شد. چقدر خوب بود وقتی که مثلاً معضل اقتصادی، گرانی و تورم را بیان می‌کنند – که البته این‌ها واقعیت هم دارد – در کنارش کارهایی که انجام گرفته و زحماتی که کشیده شده را هم بیان می‌کردند. این‌چور برخورد کردن، انصاف است.

محور چهارم : مسئله‌ی هسته‌ای

– جبهه‌ی مخالف ما که عمدتاً در چند کشور معدود زورگو منحصر است و اسم خودشان را به‌دروغ جامعه جهانی می‌گذارند، و در رأس آنها آمریکا است، محرک اصلی هم صهیونیست‌ها هستند، نمی‌خواهند موضوع هسته‌ای ایران حل شود. اگر لجبازی آن‌ها نبود، موضوع هسته‌ای به راحتی حل می‌شد.

بارها تا لحظه‌ی حل پیش رفتیم، آژانس هسته‌ای قبول کرد اشکالاتی که وجود داشته، برطرف شده – این‌ها سند است و قابل انکار نیست – خب باید قضیه تمام می‌شد؛ بلافاصله آمریکائی‌ها یک چیز جدید را مطرح کردند.

حل مسئله‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی، به حسب طبیعت خود، از جمله‌ی کارهای آسان است؛ اما وقتی طرف مقابل مایل نیست این قضیه حل شود، همین جور می‌شود که ملاحظه می‌کنید.

* امام خامنه‌ای : آمریکائی‌ها وقتی حرف می‌زنند، می‌گویند "جامعه‌ی جهانی". اسم چندتا کشور را گذاشته‌اند «جامعه‌ی جهانی»؛ که در رأس آن‌ها آمریکا است، دنبال سرش هم صهیونیست‌ها و دولت انگلیس و بعضی از دولت‌های خرده‌ریز دیگر است! جامعه‌ی جهانی به هیچ وجه در صدد دشمنی با ایران و ایرانی و ایران اسلامی نیست. (بیانات در حرم مطهر رضوی – ۱۳۹۲/۱/۱)

– جمهوری اسلامی در قضیه‌ی هسته‌ای، هم قانونی، هم شفاف و هم از لحاظ استدلالی، منطقی عمل کرده است؛ منتها این نقطه را برای فشار بر جمهوری اسلامی مناسب دانسته‌اند. اگر این هم نباشد، یک قضیه‌ی دیگری را برای فشار مطرح می‌کنند. هدف، تهدید، فشار و خسته کردن است. خودشان گفتند: هدف، تغییر دادن نظام سیاسی و سازوکار سیاسی است. – ملتی که زیر فرمان آن‌ها نباشد و بر طبق میل آن‌ها عمل نکند، مغضوب آن‌ها است.

اگر حکومت‌ها در مقابل آن‌ها مطیع بودند، برایشان مقبولند؛ نه دموکراسی برای آن‌ها اهمیت دارد، نه حقوق بشر و نه هسته‌ای. مسئله این است که جمهوری اسلامی با اعتماد به خدای متعال و با اتکاء به قدرت خود، روی پای خود ایستاده است، و در جهات مختلف دارد پیشرفت می‌کند؛ این‌ها این را نمی‌پسندند، و نپسندند.

البته تجربه‌ی جمهوری اسلامی و تجربه‌ی ملت ایران نشان داد که در این راه، آن که پیروز است، ملت ایران است و او است که به دشمنان خود سیلی خواهد زد.

در راه ما، بن‌بستی وجود ندارد

راه نظام جمهوری اسلامی، راه خدا است؛ هدف‌ها، هدف‌های الهی است؛ تکیه‌گاه، اراده‌ی الهی است؛ و اینچنین راهی هیچ وقت به بن بست منتهی نخواهد شد.

این را همه باید بدانند و مطمئن باشند که به توفیق الهی و به اذن‌الله بن‌بستی در راه ما وجود نخواهد داشت.